

روزنه

دریای بی‌اعتمادی پکن — توکیو

مایکل اوسلین

■ ثبات و رشد اقتصادی آسیا به همان اندازه که به اهمیت روابط پیچیده آمریکا و چین وابسته است، به رابطه ملتهب چین و ژاپن بستگی دارد. این دو کشور نه تنها دومین و سومین اقتصاد بزرگ دنیا را تشکیل می‌دهند، بلکه به عنوان دو قدرت بزرگ جهان، نماینده دو نظام سیاسی و اجتماعی کاملاً متفاوت محسوب می‌شوند. اگرچه روز به روز بر وابستگی اقتصادی این دو کشور به یکدیگر افزوده می‌شود، ولی آنها آشکارا بر سر مسایل سیاسی مختلف، نظیر توسعه دامنه تأثیر خود در آسیا، تمامیت ارضی خود و قابلیت‌های نظامی با هم در رقابت هستند. ناآوایی این دو در متعالل کردن روابط خود باعث شکل‌گیری سیاست و اقتصاد آسیا و نیز پیچیده‌تر شدن تلاش‌های واشنگتن در یافتن سیاستی پایدار در آسیا می‌شود. سال گذشته، روابط بین چین و ژاپن دچار لرزش‌های شدیدی شد. در سپتامبر ۲۰۱۰، گارد ساحلی ژاپن پس از درگیری در جزایر سنکاکو-دایائوو (درست در شمال تایوان) که مورد اختلاف چین و ژاپن است، یک کشتی ماهیگیری چینی را توقیف و خدمه آن را دستگیر کرد. مخازن عظیمی از گاز طبیعی و نفت در کف آب‌های اطراف این جزایر نهفته‌اند و این ذخایر می‌توانند پناهه خوبی برای از سرگیری اختلافات دو کشور بر سر مالکیت این جزایر باشند؛ این در حالی است که این جزایر از سال ۱۹۷۲ – یعنی از زمان بازگردانده شدن اوکیناوا توسط ایالات متحده به ژاپن- توسط دولت توکیو کنترل می‌شوند. این بحران منجر به سرد شدن روابط، دستگیری‌های تلافی‌جویانه شهروندان ژاپنی توسط مقامات چینی و جلوگیری از ورود مواد کمپاب معدنی از چین به ژاپن شد. عبور و مرور قابل توجه کشتی‌های نظامی چینی بین جزایر ژاپنی در شرق دریای چین، ژاپن را از بروز یک تهدید بالقوه در مسیرهای تجاری‌اش نگران کرده است. چین نیز به نوبه خود می‌داند که اتحاد ژاپن و ایالات متحده می‌تواند مانع از حرکت آزادانه کشتی‌های چینی در آب‌های بین‌المللی شود. تنش‌های جدید بیشتر بین دو کشور را می‌توان در تأمین امنیت محصولات خود، اثرات سوءآلودگی‌های چینی در ژاپن و مائورهای متعادی چینی در راستاسی تحت تأثیر قرار دادن نهادهای چندجانبه در منطقه و جهان جستجو کرد. از نظر رهبران ژاپنی، در این بازی دو سر باخت، روابط آنها با چینی که توسن رشد و توسعه‌اش عنان گسیخته‌است، دوام چندانی نخواهد داشت. تلاش‌های توکیو برای مذاکره در زمینه قرارآادهای تجاری آزاد، تشکیل گروه‌های سه یا چهار جانبه و اقدامات دیپلماتیک برجسته، اغلب به کسب لایحند دیپلماسی چین تعبیر می‌شوند. با این حال در سال‌های اخیر، چین از بسیاری از همسایگان آسیایی خود دور شده است و این دور بیشتر ریشه در موضع‌گیری‌های تند این کشور در اختلافات و ادعاهای ارضی جنوب دریای چین دارد. با افزایش توان نظامی چین، به نظر می‌رسد که این کشور بیشتر برای همسایگان خود شاخ و شانه بکشد. اگرچه این بر نگرانی‌های ژاپن از اهداف ناپه‌ای چین در منطقه می‌افزاید، ولی در عین حال، مانع از تثبیت موفقیت‌آمیز موقعیت ژاپن در آسیا شده است. در واقع در قیاس با سایر کشورهای آسیایی، این دو کشور، غول‌های بزرگی محسوب می‌شوند. چین و ژاپن پیشرفته‌ترین قدرت‌های نظامی آسی هستند. در حالی که ژاپن در حال پیمودن یک مسیر فرسایشی است، روز به روز بر توان کفی چین افزوده می‌شود. چند سال پیش، بسیاری از ناظران منظر تغییر اِسن روند بودند. وقتی که بعد از نیم قرن حکومت حزب لیبرال دموکرات در ژاپن، حزب دموکرات در اگوست ۲۰۰۹ قدرت را در این کشور به دست گرفت، رهبران آن سعی در کاهش تنش‌های موجود با پکن کردند. یکی از بنیان‌گذاران این حزب- ایشیرو اوزاوا- هیت‌های صد نفره‌ای را به سوی چین اعزام کرد. بعد از تشکیل حکومت، نخست‌وزیر یوکیو هاتویاما از این مهم‌فراتر رفت و پیشنهاد تشکیل کمیته‌ای به رهبری ژاپن، چین و کره جنوبی را در شرق آسیا مطرح کرد. با این حال بعد از گذشت یک سال این پیشنهادها به گل نشستند و روابط دو کشور فصل جدیدی از تیرگی را تجربه کرد. با توجه به اظهارات بحث‌انگیز برخی رهبران ژاپن در طول جنگ جهانی دوم، درباره فعالیت‌های جنگی ژاپن بعد از انتخاب یوشیوکو نودا به عنوان نخست‌وزیر جدید وضع از این هم بدتر شد. امروز، وزیر دفاع جدید ژاپن، یاسونو اچیکاکا، دم از بهبود روابط با چین می‌زند. اچیکاکوا که سعی می‌کرد تا پیشنهاد خود را ضمن اشاره به اتحاد ژاپن با آمریکا بیان کند، این سوال را مطرح کرد که آیا ژاپن در اثر احساس خطر از شرایط جدید چین اقدام به کسب پاسخی مثبت از این غول آسیایی کرده است یا خیر؟ این دولت نودا از ادعای خود مبنی بر بهره‌برداری مشترک از منابع اطراف سنکاکوس صرفه نظر نماید، نسبت به نوسازی ارتش ژاپن تجدید نظر کند و فعالیت‌های دفاع موشکی خود را کاهش دهد، در آن صورت می‌توان آن را به یک واکنش محافظه‌کارانه شدید و اعتراف ضمنی به ضعف‌تر بودن نسبت به چین تعبیر کرد. به هر حال با وجود بی‌میلی طرفین به مصالحه در باب مباحث کلیدی، تقویت روابط برای هر دو طرف، منطقی به نظر می‌رسد. نیاز به گفتن ندارد که مخالفت با یکدیگر یک شرایط باخت- باخت را برای چین و ژاپن رقم می‌زند، با این حال افراد کمی در توکیو به کم کردن شکاف با پکن ایمان دارند. شاید طرفین ترجیح دهند که نخست به جای حل دغدغه‌های امنیتی خود به بحث درباره تجارت و سایر موضوعات اقتصادی مورد علاقه‌شان بپردازند. تاووم گفت‌وگو راجع به یک توافق‌نامه آزاد تجاری بین چین و ژاپن می‌تواند به طرح بحث‌هایی درباره اصلاحات اقتصادی در ژاپن کمک کند و همچنین آن دو به میزان وابستگی خود به دیگری، بیشتر واقف خواهند شد.

دور جدید تنش در مدیترانه با عقد قرارداد قبرس جنوبی با چند شرکت خارجی برای اکتشاف نفت و گاز در سواحل قبرس آغاز شد و ترکیه تهدید کرد اجازه اِسن کار به قبرس (بخش جنوبی و یونانی‌نشین) تا قبل از حل کامل مسأله قبرس را نخواهد داد. نیروی دریایی ترکیه به طور گسترده‌ای وارد آب‌های نزدیک سواحل قبرس و مشغول تمرین و رزمایش شدند و نیروی هوایی این کشور به گشت زنی در این منطقه پرداخت که یونان و قبرس مدعی هستند حتی جنگنده‌های این کشور حريم هوایی انسان را نقض کرده‌اند. ترکیه از این نیز فراتر رفته و در جواب تصمیم یک‌جانبه نیکوزیا، چندی پیش با عقد قراردادی با بخش ترک نزدیک سواحل قبرس، راب اقدام به تحقیقات برای نفت و گاز در نزدیکی سواحل قبرس را به عنوان اقدامی تلافی‌جویانه آغاز کرد که این اقدام خشم و نگرانی آنن و نیکوزیا را در پی داشت. به دنبال اعلام قبرس یونانی نشین مبنی بر اینکه در نظر دارد انجام عملیات اکتشافات نفت و گاز واقع در جنوب این جمهوری را به تعدادی از شرکت‌های خارجی و از جمله، یک شرکت اسرائیلی واگذار کند. ترکیه تأکید کرد، این گونه اقدامات نیکوزیا، خلاف قوانین بین‌المللی است زیرا هنوز مسأله قبرس کاملاً حل نشده و دولت نیکوزیا نماینده تمام مردم قبرس نیست و ترک‌های قبرس نیز از منابع طبیعی سواحل این کشور حقی دارند. اما خبریستوفاس رییس‌جمهور قبرس یونانی‌نشین معتقد است: «در زمینه حق جمهوری قبرس برای اکتشاف منابع معدنی در داخل منطقه ویژه اقتصادی هیچ بحثی وجود ندارد و ما مداخله خارجی را در این زمینه نمی‌پذیریم. قبرس با همکاری یونان، تمامی سناریوها را بررسی و خود را برای هر احتمالی آماده کرده است» وی حتی در سخنانی خود در سازمان ملل حضور نیروهای دریایی ترکیه در آب‌های مدیترانه را خطر بزرگی برای منطقه خواند. دروش را اوفلو، رییس‌جمهور جمهوری ترک قبرس شمالی نیز مدعی است: «ها طرفی که بحران را ایجاد کرده است، نیستیم بلکه این یونانی تبارها هستند که تنش را ایجاد کرده‌اند ولی اگر آنها اقدام به نزاع و درگیری کنند ما نیز مقابلهمثل خواهیم کرد. اعزام کشتی اکتشافی «پیرریس» ترکیه به منطقه، برای اثبات آن است که بخش ترک‌نشین قبرس نیز حق و حقوقی در قبال استخراج نفت و گاز در این منطقه دارد»

در دیدار اخیر وزرای خارجه ترکیه و بخش ترک‌نشین قبرس در آنکارا بار دیگر مخالفت طرفین از بهره‌برداری یک‌جانبه بخش یونانی‌نشین از منابع طبیعی این جزیره مورد تأکید قرار گرفت. وزیر امور خارجه ترکیه با تأکید بر اینکه منابع طبیعی جزیره متعلق به هر دو بخش ترک‌نشین و یونانی‌نشین است اعلام کرد: «ما منابع طبیعی نفت و گاز در حوزه آب‌های ساحلی بخش ترک‌نشین نیز موجود باشد این منابع متعلق به هر دو بخش است.» وی که فعالیت‌های اکتشاف و حفاری نفت و گاز در بخش یونانی‌نشین قبرس را تحریک آمیز می‌داند مدعی است «تا زمانی که نتیجه‌ای از مذاکرات وحدت بین رهبران دو بخش جزیره که تحت نظارت سازمان ملل متحد در حال انجام است، حاصل نشود، چنین فعالیت‌های یک‌جانبه‌ای، مخالف حقوق بین‌المللی است. مودی که ما مان از با قبعل متعلق و نخواهیم کرد، بهره‌برداری یک‌طرفه از منابع طبیعی متعلق به جزیره قبرس که ترک‌های جزیره نیز در آن حق دارند، است. هیچ فرقی نمی‌کند این منابع می‌توانستند هم در بخش شمالی و هم در بخش جنوبی جزیره وجود داشته‌باشند، آنچه که مهم



است آنکه تمامی منابع طبیعی به همه مردم جزیره قبرس تعلق دارند»

وزیر خارجه آمریکا پس از دیدار اخیرش با همتای ترک خود از حق قبرس برای انجام تحقیقات برای کشف گاز طبیعی حمایت کرد. دراین‌میان، مارک توتر، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا از عملیات اکتشاف و استخراج گاز طبیعی توسط قبرس حمایت کرد و منابع نفت و گاز طبیعی و انرژی

را متعلق به دو بخش یونانی‌نشین و ترک نشین قبرس دانست. به گفته وی، بخش یونانی‌نشین قبرس حق دارد که در منطقه انحصاری اقتصادی خود به اکتشاف نفت و گاز اقدام کند و شرکت داشتن یک شرکت نفتی آمریکایی در این عملیات اقدامی قابل تقدیر است. وی همچنین مدعی شد: «منابع انرژی قبرس باید به‌طور مساوی بین دو جامعه یونانی‌نشین و ترک‌نشین قبرس تقسیم شود و عملیات اکتشاف منابع انرژی قبرس نباید مانعی بر سر راه اتحاد دو بخش جامعه قبرس شود. البته آمریکا هم‌زمان معتقد است تحقیقات قبرس نباید موجب تضعیف مذاکرات برای حل مسأله قبرس شود.» دبیر ناو ناتو نیز ایجاد تنش میان ترکیه با بخش یونانی‌نشین قبرس در پی اکتشاف نفت و گاز در دریای مدیترانه را یکی از موارد نگرانی‌های خود دانست. وی البته تأکید کرد تنش میان ترکیه و

جهان

مناقشه ترکیه و یونان بر سر نفت و گاز مدیترانه شدت می‌گیرد

دلیل تازه برای دعوای کهنه

محمود قاضلی



بخش یونانی نشین قبرس در مورد اکتشاف نفت و گاز در دریای مدیترانه منجر به درگیری نخواهد شد. کمیسیون اتحادیه اروپا نیز از طرح‌های اکتشافی نفت و گاز قبرس در مدیترانه حمایت کرد و به ترکیه هشدار داد از هرگونه تهدید که موجب خدشه دار شدن مناسبات هسایکی و حل صلح‌آمیز اختلافات مرزی می‌شود، اجتناب کند.

تنش در مدیترانه درحالی است که آنکارا، در یک اقدام تلافی‌جویانه قیرآرادا محدود کردن

آب‌های سرزمینی را با بخش ترک‌نشین قبرس در نیویورک امضا کرد. به گفته نخست وزیر ترکیه این قرارداد با هدف اکتشاف و استخراج نفت و گاز دریای مدیترانه امضا شده است. وی هشدار داد، قبرس جنوبی با کسب حمایت اسرائیل برای اجرای عملیات اکتشاف و استخراج دیوانه‌واری دست زده است. اقدام نیکوزیا مذاکرات صلح بین قبرس و قبرس ترک‌نشین را به خطر خواهد انداخت و اقدامی توطئه آمیز برای به شکست کشاندن اجلاس همکاری عالی اهربردی ترکیه و یونان است. دروش اراوفلو، رییس‌جمهوری ترک قبرس شمالی نیز پس از تصویب این قرارداد اعلام کرد: «ها عقدا این قرارداد حدود آب‌های سرزمینی بین ترکیه و جمهوری ترک قبرس شمالی مشخص می‌شود تا این گامی قابل یادارنده برای متوقف کردن فعالیت‌های کشف و

اردوغان واقعی

مورتون آبراموویتز، مترجم سیدسعید کلاتی

اشاره کرد و اینکه چگونه یک مرد مذهبی می‌تواند بدون قربانی کردن دینداری خود با ماهیت سکولار کشورش یک دموکراسی سکولار را هدایت کند. اردوغان در حال ایجاد برند خاص خود با جبهه‌های به نام اسلام به مرکزیت دموکراسی است.

نفس‌گرای

اردوغان از احساسات و روابط شخصی خود با عنوان شاخص‌های کلیدی جهت‌گیری ترکیه به سوی کشورهای دیگر یاد می‌کند. در مورد سوریه، اردوغان گفته است که اسد دیگر جایی در قلب او ندارد؛ این در حالی است که در دوره رهبری اردوغان ترکیه و

سوریه روابط اقتصادی و سیاسی بسیار نزدیکی با هم برقرار کردند. اردوغان با ترکیه بر احساسات شخصی خود نسبت به اسد به جای در نظر گرفتن منافع استراتژیک و اقتصادی ترکیه، خود را به‌عنوان تجسمی از ترکیه مطرح کرده است. حس شخصی اردوغان برای دفاع از دنیا به آفریقا نیز رسیده است. ملاقات وی از سوومالی در اواخر ماه رمضان توام با بخشش و تواضع در برابر مردم سوومالی بود. در واقع این سفر، استثنایی در کارنامه وی محسوب می‌شود. رهبران خارجی کمی از سوومالی بازدید کرده‌اند. او در شماره قبلی نشریه سیاست خارجی مقاله‌ای درباره کمک به سوُمالی نوشت. اعلام کمک‌های عظیم او و پروژه‌های عمرانی‌اش همراه شد با دعوت وی به غرب برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل که در آنجا چنان واکنشی به قحطی نشان داد که گویی هیچ کشور دیگری کمکی در این راستا نکرده است. بی‌شک ترکیه تحت رهبری اردوغان در طول هشت سال اخیر توجه بسیار کمی به سوُمالی داشته است. به رغم اهداف ارزشمند تلاش برای ارایه خدمات پزشکی و زیرساختی بیشتر به این کشور، ظاهر صحبت‌های اردوغان حول خودش دور می‌زند تا حول ملت سوُمالی. او از کشورهایی نظیر سوُمالی مسلمان

استخراج نفت و گاز بخش یونانی‌نشین باشد.» به گفته مدیرکل اداره انرژی قبرس ترک‌نشین عملیات حفاری در بستر دریا آغاز شده و تا حدود دو ماه دیگر به عمق ۵۸۰۰ متری دست خواهند یافت. وزارت امور خارجه یونان نیز امضای قرارداد تعیین حوزه فلات قاره ترکیه با قبرس ترک‌نشین را محکوم و اعلام کرد: این قرارداد نقض حقوق بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان ملل است و اعتبار حقوقی و قانونی ندارد. چنین موافقت‌نامه‌ای باطل و بی‌بایه است و به هیچ عنوان با اجرای حاکمیت جمهوری قبرس برای بهره‌گیری از منابع طبیعی خود ارتباطی ندارد.» سخنگوی وزارت خارجه یونان نیز مدعی شد «ترکیه به دلیل نداشتن استدلال محکم، زبان تهدید را به کار برده و لحن خود را خشن کرده است.» وزیر دفاع یونان نیز تأکید کرد نیروهای مسلح کشور کاملاً آماده برای برخورد با هر تهدیدی هستند ولی درحال حاضر در آمادباش به سر نمی‌برند.

روزنامه Toivima، سومین روزنامه پرترس‌از یونان که معمولاً حساسیت زیادی به مسأله قبرس نشان می‌دهد مدعی شد «قبرس یونانی‌نشین با همکاری اسرائیل و آمریکا عملیات اکتشاف را آغاز کرده و عملیات اکتشاف از حمایت روسیه، یونان، آمریکا و اسرائیل برخوردار است، ولی حمایت اتحادیه اروپا در مقایسه با دیگران از اهمیت کمتری برخوردار است. آنکارا به علت از دست دادن قدرت اقتصادی و ژئوپلیتیک خود سیاست تهاجمی را آغاز کرده است. اردوغان با وجود اینکه سیاستمدار بزرگی است، ولی به علت تحولات منطقه آزادی عمل ندارد و برای ارض شکست به هر نوع اقدامی دست خواهد زد، اما یونان با توسعه روابط خود با آمریکا و اسرائیل، واکنش جدی و آرامی را نسبت به ترکیه نشان داده است.»

به گفته وزیر نیرو و منابع طبیعی ترکیه «بعد از امضای قرارداد محدودسازی فلات قاره، ترکیه و قبرس ترک‌نشین، ترکیه عملیات زمین‌شناسی و لرزه‌نگاری برای شناسایی و اکتشاف نفت و گاز در دریای مدیترانه ادامه و حوزه عملیات خود را گسترش خواهد داد. البته ترکیه فهرست شرکت‌هایی که در مناطق مورد اختلاف به صورت غیرقانونی به عملیات اکتشاف خود ادامه داده و با قبرس همکاری کنند تهیه و تحریم خواهد کرد، فعالیت‌های اکتشافات ترکیه در منطقه تعیین شده ادامه خواهد یافت. در پنج سال اخیر، ترکیه امنیت عرضه انرژی را تضمین کرده و درباره منابع انرژی تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری کرده است.»

وزیران دفاع یونان و ترکیه نیز برای کاهش تنشج به وجود آمده در منطقه و روابط دوجانبه در حاشیه اجلاس وزیران دفاع کشورهای جنوب و شرق اروپا دبلار و درخصوص نحوه اعتمادسازی بیشتر میان دو کشور گفت‌وگو کرده و آن را عامل مهمی در ایجاد صلح و ثبات منطقه قلمداد کردند. وزیر دفاع یونان با اشاره به نقض حريم هوایی کشور به وسیله جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش ترکیه و به وجود آمدن تنشج اخیر در رابطه با اکتشافات نفت و گاز به وسیله قبرس، تأکید کرد: «تلاش‌های فراوانی برای بهبود روابط و اعتمادسازی میان دو کشور صورت گرفته، اما این گونه اقدامات تنشج‌آور بین به اعتماد و روابط دو کشور لطمه خواهد زد.» اختلاف دو طرف درحالی است که رهبران بخش‌های ترک و یونانی‌نشین قبرس به تازگی با حضور نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد مجدداً با یکدیگر دیدار کردند. قرار بود رهبران دو بخش در ۳۰ اکتبر جاری دوم آبان در نیویورک در یک نشست سه‌جانبه، با حضور دبیر کل سازمان ملل متحد شرکت کنند.

برای اثبات توفیق اقتصادی و سیاسی ترکیه و نشان دادن رهبری جهانی خود استفاده‌می‌کند. **کردها**
بزرگ‌ترین معضل اردوغان از اقلیت بزرگ کردها در ترکیه نشأت می‌گیرد. او بیش از هر رهبر ترک دیگری نسبت به کردها انعطاف داشته است. اگرچه ایجاد فضای باز، دموکراتیک در ترکیه دستاوردهای ملموس چندانی نداشت، اما اهمیتش در ارایه یک راه‌حل سیاسی برای مشکلی بود که خیلی‌ها در ترکیه از آن با نام یک مشکل نظامی یاد می‌کنند. افشای این خبر که دولت با رهبر پ.ک.م مذاکره کرده است، خود نشانی بود برای گسستن از گذشته، اما به رغم دموکراسی و آزادی‌خواهی وی در خارج از مرزهای ترکیه، اردوغان دستاوردهای کمی در خانه خود به دست آورده است. در واکنش به حملات مهلک اخیر پ.ک.ک، او را یی به راه‌حل نظامی برای زمین نهادن سلاح آخرین شورشى کرد داده است. بدون شک تغییر دموکراتیک کردها آزمون بسیار سختی برای توان اردوغان در ایجاد یک ترکیه بازت و دموکراتیک‌تر خواهد بود.

نتیجه

بدون شک، اردوغان سیاستمداری کارگشته و کاریزماتیک است که با اشتیاق وافر با به صحنه جهانی نهاده است. او حاکم مطلق ترکیه است و رسانه‌های کمی جرأت به چالش کشیدن وی را دارند. او خود را وقف پیشرفت ترکیه کرده و منافع اقتصادی این کشور را حتی اگر با ایدئولوژی شخصی وی در تضاد باشند دنبال می‌کند. با این حال او مردی با احساسات قوی است که به‌وضوح به رسالت خود معتقد است و حمایت سنگین ملتش را احساس می‌کند. او خواهان تغییر سطره‌غرب بر نظام جهانی و به‌ویژه بر خاورمیانه است. او به اسرائیل به دیده بدبین و متعصب نظر می‌کند و اختلاف نظر وی با این کشور بعد از حملات اسرائیل به کشتی ترک حامل کمک به غزه تشدید شد. این دیدگاه، وی را در مقابل اصول کانونی سیاست آمریکا مبنی بر حفظ امنیت اسرائیل به‌عنوان یک فوریت قرار می‌دهد. اما نباید پراگماتیسم و اعتدال اردوغان به‌عنوان نخست‌وزیر دوره سوم کاهش یابد. چرا که مشارکت ترکیه در اقدام ناتو علیه لیبی و موافقت وی برای استقرار حایل رادار ناتو به مذاق آمریکاییان خوش‌تر است. او مشخصاً خواستار داشتن روابط محکم با آمریکا حتی در خاورمیانه است و دولت اواما جای هیچ شکی برای او در این خصوص باقی نگذاشته است. جابطلبی، نفس‌گرای و جهان‌بینی دینی اردوغان او را به چنان مخلوط محترقه‌ای تبدیل کرده است که از او متحدی غیرقابل پیش‌بینی می‌سازد.

منبع: The National Interest

درپچه

آیا تونس یک ترکیه عربی خواهد شد؟

■ طبیعی است که دومین زلزله سیاسی در تونس یعنی پیروزی حزب اسلامی النهضة و کسب اکثریت کرسی‌های مجلس در نخستین انتخابات آزاد و واقعی، احساسات متناقضی را برانگیزد به‌خصوص پس از آن زلزله نخست که موجب بروز انقلاب و سقوط زین‌العابدین بن‌علی شد. از این رو ابتدا باید پرسید آیا تجربه داخلی تونس برای اعراب اهمیت دارد و آیا این تجربه می‌تواند بر محیط پیرامونی‌اش یعنی ۲۰۰ میلیون عرب تأثیرگذار باشد؟

■ پاسخ این مسأله روشن است: آری. زیرا اعراب خواستار یک ترکیه دیگر هستند. آنها دوست دارند یک اردوغان عرب داشته باشند. آیا راشد الغنوشی همان اردوغان اعراب است؟ اینها پرسش‌هایی است که اتفاقات تونس را مهم می‌کند؛ هرچند دولتی کوچک با درآمدی کم داشته باشد.

این احساسات متناقضی که ذکر شد، به این دلیل است که برخی می‌ترسند در برابر یک جنبش بنیادگرایی سلطه‌جو قرار گرفته باشند که در لباس یک جنبش اسلامی باز و میانه‌رو ظاهر شده است. یعنی شبیه سایر جنبش‌های اسلامی منطقه که روزی به حاکمیت رسیدند و نمونه آنها را در سودان دیدیم.

برخی دیگر نیز بر این اعتقادند که ما در برابر یک نظام سیاسی میانه‌رو قرار داریم با این تفاوت که مانند ترکیه و مالزی یک حرکت اسلامی میانه‌رو آن را هدایت می‌کند.

با این حال، آنچه در تونس اطمینان‌بخش خواهد بود امید بستن به حزب اسلامی با مقاصد پنهان آن نیست. هرچند این مسائل اهمیت خاص خودش را دارد، بلکه ترکیه کردن بر سیستم حکومتی تونس است یعنی همان دولتی که در عینیت وجود دارد. زیرا دیدیم با وجود اعمالی که زین‌العابدین بن‌علی رییس‌جمهور سابق تونس انجام داد و قدرت را در انحصار خود درآورد و دیگران را به حاشیه راند، بقایای همین دولت بود که توانست کشور را به ساحل نجات رسانده و در زمانی کوتاه زمینه را برای انتقال از یک نظام انحصاری به نظام دیگری که مطلوب همگان باشد فراهم کند.

در واقع اِسن نهادهای قضایی و نظامی و زیرساخت‌های سیاسی یک جامعه است که ضامن ادامه این وضعیت و ناظر بر آن خواهند بود. اگر حزب النهضة بیشترین آرا را کسب کرده باشد این حق را دارد که با هرکس خواست هم‌پیمان شده و کشور را اداره کند.

این روشن است و به نظر ساده می‌آید. زیرا اکثریت در حکومت از طریق انتخابات تعیین می‌شود و این آن چیزی است که در سودان و الجزایر و غزه اتفاق نیفتاد و در مناطق دیگر نیز مثل مصر که در استتانه تحول قرار دارند سعی می‌شود تحقق پیدا نکند. البته باید گفت تاکنون حزب النهضة امتحانش را پس نداده است و سا از این حزب و رهبریش راشد الغنوشی چیزی جز یک شکست وعده‌های متناقض نشنیده‌ایم. اما روزهای آینده این مساله روشن خواهد شد. تجربه ما با الغنوشی خوشایند نبوده است؛ هرچند او بیش از هر رهبر دینی دیگری با میانه‌روی و اعتدال خودش غرب را به وسوسه انداخته باشد. زیر‌العمل و رفتارش عکس این موضوع را نشان می‌دهد. تنها مسأله داشتن یک فرصت تاریخی است که اکنون در اختیار این حزب گذاشته شده است تا خودش را نشان دهد.

حکومت بن‌علی هرگز یک دولت لیبرال نبود بلکه یک نظام سرکوبگر و امنیتی بود. الجزایر نیز به همین منوال و دیدگران نیز که بسیاریاند. هیچ‌کدام از اینها حکومتی شرووندی نبوده‌اند. در این میان کسانی که از تجربه ترکیه و مالزی سخن می‌گویند نمی‌دانند که سیستم‌های حکومتی این کشورها در ذاتشان سیستم‌هایی لیبرالی بوده‌اند. در یک نظام لیبرال است که اسلام‌گرایان هم می‌توانند آن در انتخابات برنده شدند بکصد سال حکومت کنند. حال آنکه در نظام‌های مدعی اسلام‌گرایی این امر تقریباً محال است. حتی در تاریخ معاصر یک نمونه پیدا نمی‌شود که نظام‌های باصلاح اسلامی اجازه داده باشند قدرت در کشور به گردش درآید. برعکس ملاحظه می‌شود که حتی گروه‌های حاکم راه را بر همفکران دینی خود نیز می‌بندند. سیستم حکومتی تونس در حال حاضر از پایه یک سیستم لیبرالی است. همه اجازه دارند در انتخابات شرکت کنند و نمایندگان خود را برگزینند. در ترکیه و مالزی و تا حدودی در اندونزی نیز وضع به همین ترتیب است. اما در الجزایر نظام حاکم یک سیستم نظامی است. در سودان نیز به همین ترتیب و اصلاً به کس دیگری اجازه داده نمی‌شود که در انتخابات پیروز شود. تجارب دموکراتیک مغشوشی در عراق و لبنان هم به چشم می‌خورد اما در مجموع حکومت در این دو کشور ضعیف است. البته در این دو کشور مسایل فرقه‌ای وجود دارد که نمی‌توان آنها را با جاهای دیگر مقایسه کرد. از این رو تجربه تونس چشم‌اندازهای متفاوتی را در مقابل می‌گذارد که نویدبخش دوران تازه‌ای در بین اعراب خواهد بود.

منبع: الشرق الاوسط